سال هفتم، شماره دوم (پیاپی ۱۰)، پاییز و زمستان ۱۴۰۱، ۱۲۶-۱۴۰.

شاپای الکترونیکی: ۳۹۶۳-۲۳۸۳

دوفصلنامهٔ پژوهش‌های قرآنی در ادبیات

http://koran.lu.ac.ir

دانشگاه لرستان

مقاله پژوهشی

تجلّی قرآن کریم و احادیث شریف در آثار مصطفی لطفی منفلوطی

طیبه سیفی[1*]

[1*] استادیار دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

مصطفی لطفی منفلوطی نویسنده و ادیب برجسته‌ی معاصر مصر و از پیشگامان تغییر و تحول در نثر معاصر عربی به شمار می‌آید. او از جمله نخستین نویسندگانی است که داستان کوتاه نوشت. داستانهایی که به نوعی دیدگاه او را پیرامون موضوعات و مسائل مختلف سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و دینی به خوبی منعکس کرده است. پرورش منفلوطی در محیط مذهبی خانواده و آشنایی با تعالیم دینی و در رأس آن قرآن کریم، موجب شد تا این تعالیم و آموزه‌ها یکی از منابع مهم الهام بخش او در آثارش باشند تا جایی که این متون به نویسندگی او اسلوبی خاصی بخشیدند که منحصر به اوست. از آنجا که قرآن و حدیث در آثار منفلوطی به منظور تبیین موضوعات مختلف نمود پیدا کردند و جلوه خاصی به آثار او بویژه کتاب «النظرات» دادند؛ در مقاله حاضر برآنیم تا بازتاب قرآن و حدیث و جایگاه آنها را در آثار وی تحلیل و بررسی دقیق کنیم و با این بررسی، این نویسنده را از منظری دینی به خوانندگان معرفی کنیم. بررسی آثار منفلوطی از این منظر نشان از آن دارد که در درجه اول قرآن کریم و سپس سخنان ارزشمند حضرت رسول(ص) و حضرت علی(ع) بازتاب گسترده‌ای در آثار منفلوطی دارند.

اطلاعات مقاله

دریافت مقاله:
۱۴۰۱/۰۳/۱۵

پذیرش نهایی:
۱۴۰۱/۰۸/۰۶

واژگان کلیدی:
قرآن کریم، احادیث شریف، مصطفی لطفی منفلوطی، النظرات، العبرات.

* نویسندهٔ مسئول

پست الکترونیک نویسندگان: salim1390@yahoo.com؛ moslem_khezeli@yahoo.com

استنادهی به مقاله:

سیفی، طیبه (۱۴۰۱). تجلی قرآن کریم و احادیث شریف در آثار مصطفی لطفی منفلوطی، دوفصلنامهٔ پژوهشهای قرآنی در ادبیات، سال هفتم، شمارهٔ دوم (پیاپی ۱۰)، صص ۱۲۴-۱۴۰.

Doi:10.52547/koran.7.2.126

[Downloaded from koran.lu.ac.ir on 2024-04-28]

[DOI: 1052547/koran.7.2.126]

۱. مقدمه

از گذشته تا به امروز تعالیم دینی یکی از منابع اصلی نویسندگان عرب به شمار می‌آیند و هر یک از آنها به فراخور میزان آگاهی و اعتقاد خویش از تعالیم دینی خود بهره گرفته و گاه آن را در آثارشان منعکس کرده‌اند. در دوره‌ی معاصر گاه نویسندگانی ظهور کردند که باورها و اعتقادات دینی را الهام بخش خود قرار داده، آثاری خلق کرده‌اند که منشأ تحولی عظیم در عصر ایشان شد. منفلوطی نویسنده مشهور معاصر مصری از جمله این نویسندگان است. او که زبان قصه و نگارش مقاله را برای بیان دردها و مشکلات و آرزوهای خود، جامعه و مردم پیرامون خویش برگزیده، از زاویه‌ی دید خود به این تعالیم نگریسته و با اسلوب خاص خود از قرآن و حدیث در جای‌جای آثار خود بهره گرفته است. او در خانواده‌ای با صبغه‌ی دینی پرورش یافته بود و در سایه تعالیم قرآن کریم که در کودکی آن را به جان و دل خویش سپرده و از بر کرده بود، به خوبی توانست از این پشتوانه دینی به ویژه آیات قرآنی و توصیه‌های دینی در آثارش از جمله در کتاب النظرات بهره و در تبیین موضوعات مختلف مورد توجه خویش از این آموزه‌ها مدد گرفته و بر غنای آثار خویش افزوده است. مقاله حاضر بر آن است تا میزان بهره‌گیری منفلوطی از آیات و الهامات قرآنی و احادیث شریف و شخصیت‌های دینی و جایگاه آنها در آثارش را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد تا این نویسنده برجسته معاصر مصری و آثار او را از این زاویه بهتر به خوانندگان معرفی کند. از آنجا که این الهامات منفلوطی در تبیین موضوعات مختلف تجلّی پیدا کرده است مقاله حاضر با رویکردی توصیفی- تحلیلی تلاش می کند تا به این سؤالات پاسخ دهد:

۱- قرآن کریم و احادیث شریف در آثار منفلوطی چگونه تجلّی یافته است؟

۲- منفلوطی در تبیین چه موضوعات و اهدافی از این منابع دینی مدد گرفت؟

۳- رویکرد منفلوطی به این منابع دینی از چه زاویه‌ای است؟

۲. پیشینه تحقیق

دربارهٔ موضوع مقالهٔ حاضر در آثار منفلوطی پژوهش مستقلی انجام نگرفته است؛ اما برخی از نویسندگان در کتاب خود به معرفی او و آثار او به اجمال پرداخته‌اند از جمله شوقی ضیف در کتاب الأدب العربی المعاصر فی مصر (۱۱۱۹) و سلمی خضری جیوسی در کتاب الإتجاهات و الحرکات فی الشعر العربی الحدیث (۲۰۰۱) و سعدی عمران در کتاب معاصرون(۲۰۱۱). دربارهٔ منفلوطی و آثار او مقالاتی نیز نوشته شده که از آن جمله است: مقالهٔ «مقایسهٔ دیدگاه جلال آل‌احمد و مصطفی لطفی منفلوطی در زمینهٔ روشنفکری و غربزدگی» (۱۳۹۰) از رضا فرصتی جویباری و فاطمه رحیمی که در فصلنامه ادبیات تطبیقی دانشگاه آزاد جیرفت دوره ۵، شماره ۲۰، زمستان، صفحه ۱۰۱-۱۱۶ چاپ شده است. نویسندگان در این مقاله به بررسی و تطبیق آثار مصطفی لطفی منفلوطی، شاعر و نویسنده مبارز و برجسته مصری با آثار جلال آل‌احمد، با تکیه بر نظریه پسا استعماری (روشنفکری و غرب‌زدگی) پرداخته‌اند.

مقاله‌ای دیگر هم تحت عنوان «بدبینی منفلوطی» (۱۳۸۴) در ماهنامه کتاب ماه ادبیات و فلسفه در شماره ۹۶ مهر۱۳۸۴ منتشر شده است، مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی داستان‌های کوتاه منفلوطی و جمال‌زاده» (۱۳۹۲) به قلم حجت رسولی و پریسا بختیاری نوشته شده است که در پژوهشنامه نقد ادب عربی شماره ۶ بهار و تابستان ۱۳۹۲، ص۶۵ -۸۷ منشر شده است. نویسندگان در این مقاله به بیان وجوه اشتراک و تفاوت

[Downloaded from koran.lu.ac.ir on 2024-04-28]
[DOI: 1052547/koran.7.2.126]

در مضمون و سبک و زبان دو نویسنده در داستان‌پردازی پرداخته‌اند.

مقالهٔ دیگری با عنوان «بازتاب موضوعی قرآن کریم در آثار منفلوطی» به قلم مهین حاجیزاده، علی خالقی، در مجله مطالعات اسلامی علوم قرآن و حدیث، بهار و تابستان ۱۳۹۳، صفحات ۴۱ تا ۶۳ منتشر شده است که نویسندگان در این مقاله پس از بیان مختصری از زندگی ادبی منفلوطی، تحت عنوان منفلوطی و تأثیرپذیری از آیات قرآن کریم به موضوعاتی اشاره کردند که در آنها منفلوطی از قرآن تأثیر پذیرفته است. این موضوعات عبارتند از: کیفر و عقاب اعمال ظالمان و بدکاران، جزا و پاداش اعمال صالحان، صبر و بردباری، روز حساب و معاد، قدرت و قضا و قدر الهی، حق و باطل، تقوی و احکام عبادی. اما مقاله حاضر با رویکردی متفاوت و با تحلیل موضوعاتی غیر از مقاله فوق‌الذکر به بررسی و شرح نمود قرآن و حدیث در آثار منفلوطی هم در موضوعات و هم در ساختار و اسلوب پرداخته است؛ از این رو پژوهشی جدید به شمار می‌آید. بنابراین می‌توان گفت پژوهش مستقلی که به بررسی و تحلیل بازتاب و تجلّی قرآن و حدیث در آثار منفلوطی با رویکرد مقاله حاضر پرداخته باشد، به دست نیامد.

۳. نگاهی به آثار و دیدگاه منفلوطی

منفلوطی (۱۸۷۶م- ۱۹۲۴م) ادیب و نویسنده خوش‌ذوق مصری و از جمله ادبای بزرگ معاصر است که در تحول و پیشرفت نثر عربی جدید نه در مصر بلکه در سراسر سرزمین‌های عربی سهم بسزایی داشت. (وادی، مقدمه النظرات، ۱۹۹۱: ۳) او به کاربرد الفاظ معجمی غریب و قواعد ظاهری بلاغت در نویسندگی اعتقادی نداشت؛ بلکه بر این مسأله تأکید داشت که ادبیات خوب فقط به لفظ و بلاغت نیست؛ بلکه به قدرت نویسنده در تعبیر از معنا برمی‌گردد، در نتیجه او در نویسندگی به اصلاح اسالیب ادبی و عدم جدایی میان لفظ و معنا دعوت می‌کرد. (همان) منفلوطی نویسنده‌ای است که داستانها و مقالات اجتماعی، سیاسی و اخلاقی زیادی نوشت. علاوه بر این وی با اسلوب نادر ادبی و با به کارگیری نیکوی زبان عربی، برخی از رمان‌های مشهور غربی را ترجمه یا اقتباس کرد؛ (عمران، ۲۰۱۱ : ۳۵) اما شهرت اصلی منفلوطی به مقالات ادبی اوست؛ از این رو مشهورترین نویسندهٔ مقالهٔ ادبی در دوره معاصر به شمار می‌آید و کسی قبل و بعد از او هرگز به شهرت و آوازه او نرسید. (وادی، مقدمه النظرات، ۱۹۹۱: ۷)

آثار منفلوطی و در رأس آنها کتاب النظرات در سه جلد، شامل مجموعه‌ای است از مقالات در موضوعات اجتماعی، سیاسی، اخلاقی، دینی و مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاه تألیفی یا ترجمه شده است. (منفلوطی،۱۹۹۱) در حقیقت موضوعات و مسائل روز جامعه و مردم مصر الهام بخش منفلوطی در این کتاب است به گونه‌ای که به تعبیر شوقی ضیف (بی‌تا: ۲۳۱) او در نوشته‌هایش در این کتاب با اثرپذیری از استادش شیخ محمد عبده به یک مصلح اجتماعی تبدیل می‌شود. کتاب دیگر او العبرات شامل هشت داستان کوتاه تألیفی یا ترجمه شده می‌باشد. (همان:۱۹۹۱) و چهار اثری که به عربی ترجمه کرده است عبارتند از: ماجدولین یا تحت ظلال الزیفون که ترجمه رمان نویسنده فرانسوی «ألفونس کار» (Alphonse karr) است و مضمون و محتوی آن پیرامون دو محور عاطفی و اجتماعی دور می‌زند. (همان: ۲۰۰۷) فی سبیل التاج که ترجمه نمایشنامه نویسنده مشهور فرانسوی فرانسوا کوپیه (Francois coppee) با مضمون ملی است و پیرامون دو محور عشق به خانواده و وطن دور می‌زند. (منفلوطی، ۲۰۰۸) الشاعر که ترجمه رمان شاعر بزرگ فرانسه

[Downloaded from koran.lu.ac.ir on 2024-04-28]

[DOI: 1052547/koran.7.2.126]

«إدمون‌روستان» (Edmon Rostand) و مضمون آن عشق عفیف و پاک است. (همان: ۲۰۰۵) الفضیلة یا پول و فرجینی ترجمه رمان نویسنده فرانسوی «برناردین‌دی‌سان پییر» (Bernardin de saint-pierre) و مضمون آن فضایلی است که منفلوطی در دعوت به آنها حریص بود همچون شجاعت و دلیری در پسران جوان و ادب و حیا در دختران جوان. (همان، ۱۹۹۱)

۴. تجلی قرآن کریم و احادیث شریف در آثار منفلوطی

منفلوطی در تبیین موضوعات مختلف از آموزه‌های دینی و در رأس آن قرآن و حدیث الهام گرفت که در ادامه آنها را در قالب موضوعات مستقل و با ذکر شواهدی از آثار او مورد بررسی قرار می دهیم:

۴.۱ تجلی قرآن کریم و احادیث شریف در موضوعات اخلاقی

از جمله موضوعاتی که منفلوطی در تبیین آنها از قرآن و احادیث الهام گرفته موضوعات و مباحث اخلاقی است، از این رو وی در جای‌جای آثار خویش، مباحث اخلاقی را به آموزه‌های دینی خویش مزین می‌کند تا هم بر ضرورت آنها صحه گذارد و هم بر تأثیر آن بر مخاطبین بیافزاید. جایگاه مهربانی و شفقت به یکدیگر در جامعه و تأثیر آن از جمله موضوعات اخلاقی مورد توجه منفلوطی است. او از بین رفتن فقر، گرسنگی، برهنگی، بدبختی، شقاوت، ایجاد اطمینان و آرامش در زندگی را از نتایج این مهربانی و شفقت در جامعه برمی‌شمرد؛ (منفلوطی، ۱۹۹۱الف: ج۷۲/۱) از این رو پس از برشمردن فوائد این فضیلت اخلاقی و همچنین بیان مضرات عدم وجود آن در جامعه، به ذکر موارد مهربانی و شفقت در جامعه اشاره می‌کند و از مردم می‌خواهد که به بیوه زنان، یتیمان، زنان و فرزندان و حتی انسان‌های جاهل و حیوانات و پرندگان رحم کنند. (همان: ۷۲-۷۳) وی برای تأیید کلام خویش و تثبیت آن نزد خوانندگان، به سخن ارزشمند حضرت رسول استناد می‌کند: «إرحَموا مَن فی الأرض یَرحمکم مَن فی السماء» (ری‌شهری، ۱۳۷۷: ج۴/حدیث شماره ۶۹۵۸)

أثرپذیری منفلوطی از قرآن و احادیث در بیان موضوعات اخلاقی تا بدان‌جاست که در مقاله مستقلی با عنوان «عبرة الهجرة» به توصیف فضائل اخلاقی حضرت رسول(ص) می‌پردازد. او چنان مبهوت فضائل اخلاقی آن حضرت چون علم، حلم، بردباری، صبر، تواضع، ایثار، صداقت و اخلاص است که تأثیر این فضائل اخلاقی در عصر حضرت رسول(ص) را بر عرب جاهلی بیش از تأثیر معجزات ایشان مثل شق‌القمر می‌داند. (منفلوطی، ۱۹۹۱الف: ج۸۷/۱) در این جا منفلوطی برای تحکیم و تثبیت کلام خویش برای مخاطبین به این کلام الهی در قرآن استناد می‌کند: «و لو کنتَ فظاً غلیظَ القلبِ لانفَضُّوا من حَولِک» (آل‌عمران: ۱۵۹) وی این آیه از قرآن را با همان معنا و محتوا و مقصود اقتباس می‌کند، در ادامه هم برای اثبات اعتماد و اطمینان حضرت رسول(ص) به موفقیت رسالتش در میان قریش به کلام خود حضرت استناد می‌کند: «یا معشر قریش و الله لایأتی علیکم غیر قلیل حتی تعرفوا ما تنکرون و تحبوا ما أنتم له کارهون» در اثبات همت بالای حضرت رسول (ص) در دعوت مردم به رسالتش باز به این سخن حضرت استشهاد می‌کند: «و الله لو وضعوا الشمس فی یمینی و القمر فی شمالی علی أن أترک هذا الأمر ما ترکته حتی یظهره الله أو أهلک فیه ما ترکته». (إبن‌الأثیر،۱۳۸۲: ج۶۴/۲) همان‌طور که رحمت و دلسوزی و خیرخواهی حضرت رسول(ص) نسبت به قومش را از هم یاد نبرده؛ بلکه به این

[Downloaded from koran.lu.ac.ir on 2024-04-28]
[DOI: 1052547/koran.7.2.126]

سخن حضرت درباره قومش استناد کرده است: «اللهم اغفر لقومی فإنهم لایعلمون» (ابن‌الکثیر، ۲۰۰۳، ج۲: ۱۶۷)

منفلوطی نویسنده‌ای است که اخلاق‌مداری در آثارش موج می‌زند، بدین منظور او در یکی از مقالات خود از مخاطبان می‌خواهد فریب عناوین پرزرق و برق را نخورند و کسی که تسبیح به دست و ریشی بلند دارد، صالح و پرهیزگار نخوانند و فریب ظاهر را نخورند: «لو لاخداع العناوین ما سمینا صالحاً تقیاً کل من حرک سُبحته و أطال لحیته....» (منفلوطی، ۱۹۹۱الف: ج۱/۱۵۸) او در این مقاله و در چنین جایگاهی به توصیف مؤمن، ویژگی‌ها و شرایط ایمان می‌پردازد، از امتحان و آزمایش الهی سخن می‌گوید که متوجه بندگان خداوند برای سنجش ایمان آن‌هاست تا مؤمن حقیقی از منافق بازشناخته شود: «إن للإیمان مواقف یمتحن الله فیها عباده لیعلم الذین صدقوا و یعلم الکاذبین... . (همان) او در ادامه برای تبیین و انتقال بهتر کلام خود به مخاطبان، به این آیه قرآنی استناد می‌کند:« أَ حَسِبَ النَّاسُ أَنْ یُتْرَکُوا أَنْ یَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لا یُفْتَنُونَ » که اقتباسی مستقیم از آیه دوم سوره عنکبوت است.

موضوع احترام به زنان هم از دیگر موضوعاتی است که منفلوطی در تبیین آن از قرآن مدد می‌گیرد، بدین منظور در مقاله‌ای به همین نام ابتدا به این آیه قرآنی استشهاد می‌کند: «الرجال قوامون علی النساء» (نساء: ۳۴) اما زنان را تکیه‌گاه مرد و بنیاد او و راز حیات وی برمی‌شمرد: «نعم إنّ الرجال قوامون علی النساء کما یقول الله تعالی فی کتابه العزیز، ولکن المرأة عماد الرجل و ملاک أمره و سر حیاته» (منفلوطی، ۱۹۹۱الف: ج۳/۲۹۹)

منفلوطی که از جهل و نادانی منتشر در میان مردم عصر خود متأثر است آن را جاهلیت دوم می‌نامد پس از آن که جاهلیت عرب پیش از اسلام را جاهلیت نخست نامید. وی در مقاله‌ای با عنوان «الجاهلیتان» به تفصیل به بررسی جلوه‌ها و نمودهایی از جاهلیت عصر خویش می‌پردازد و در تبیین این موضوع از تعابیر قرآنی مدد می‌گیرد. او بی‌اخلاقی را نمود بارز جاهلیت عصر خود می‌داند؛ لذا معتقد است مغازه‌ها و فروشگاه‌هایی که مسلمانان در آنها بدون شرم و حیا حرمت دین را می‌شکنند و غش در آن‌ها کاملاً واضح است، مکان‌هایی است که به سخنان دروغ و ایمان باطل آراسته است، به همین دلیل در این مکان‌ها از اسلام خبری نیست. (همان، ج۳: ۳۱۵) در ادامه به سراغ مجالس دادرسی و محاکم قضات می‌رود، جایی که به تعبیر منفلوطی دینار سرخ رنگ بر عدالت، عهد، پیمان و شرائع حاکم است با وجود این بر سردر این اماکن بر لوح‌هایی پرزرق و برق چنین نوشته شده: «العدل أساس الملک أو إذا حکمتم بین الناس أن تحکموا بالعدل.» (همان‌جا) بدین ترتیب او در تبیین بی‌عدالتی‌های حکام عصر خویش، موسوم به جاهلیت دوم که به دروغ دم از عدالت می‌زنند و عدالت لقلقه زبان آن‌ها و زینت‌دهنده سردر محاکم قضات است به سراغ آیات الهی در قرآن می‌رود و بخشی از این آیه را اقتباس می‌کند: «إِنَّ اللَّهَ یَأْمُرُکُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمانات إِلی أَهْلِها وَ إِذا حَکَمْتُمْ بَیْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْکُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا یَعِظُکُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ کانَ سَمِیعاً بَصِیراً» (نساء: ۵۸)

صدق و کذب از جمله فضائل و رذائل اخلاقی نیز از دیگر مضامین اخلاقی است که منفلوطی در تبیین آن از مفاهیم قرآن الهام گرفت. نوع نگاه منفلوطی به این موضوع، از بینش واقع‌گرایانه او نشأت می‌گیرد. وی در برشمردن آثار مثبت صدق و آثار منفی کذب با الهام از تعالیم دینی چنین می‌گوید: «سمعتُ بالصدق و ما وعد الله به الصادقین من حُسن المَثُوبة و جزیل الأجر، و سمعتُ بالکذب و ما أعد الله للکاذبین من سوء العذاب و ألیم العقاب» بنابراین وی پاداش راستی و راست‌گو و عذاب دروغ و دروغ‌گو را از منظر دین و مفاهیم دینی بیان می‌کند و

[Downloaded from koran.lu.ac.ir on 2024-04-28]

[DOI: 1052547/koran.7.2.126]

این عبارت نویسنده برگرفته از مفاهیم آیات ذیل است که در مذمت دروغ و دروغ‌گو و ستایش راستگو و پاداش نیکو برای راستگو آمده است: «وَ الْخامِسَةُ أَنَّ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كانَ مِنَ الْكاذِبِينَ» (سوره نور:۷) «یا أیها الذین آمنوا لم تقولون ما لاتفعلون، كَبُرَ مقتاً عند الله أن تقولوا ما لاتفعلون» (صف:۳/۲) «إِنَّما يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لايُؤْمِنُونَ بِآياتِ اللَّهِ وَ أُولئِكَ هُمُ الْكاذِبُونَ» (نحل:۱۰۵) «لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَ يُعَذِّبَ الْمُنافِقِينَ» (احزاب: ۲۴)

آنگاه به این واقعیت موجود اشاره می‌کند که پیش از امروز می‌پنداشتم موقعیت و جایگاه‌هایی وجود دارد و همچنین موقعیت‌های پیش می‌آید که کذب و دروغ از صداقت سودمندتر است؛ اما این پندار من یک پندار باطل و وسوسه‌های شیطان بود، پس با خود و خدایم عهد بستم که تا زنده‌ام دروغ نگویم: «و أن ما كنتُ أتخيله قبل اليوم من أن هناك مواقفَ يكون فيها الكذب أنفع من الصدق و أسلم عاقبةً، إنما هو ضرب من ضروب الوهم الباطل و نزعة من نزعات شيطان؛ فعاهدتُ الله و نفسي ألا أكذب ما حُييتُ».

۴.۲. تجلی قرآن کریم و احادیث شریف در مباحث دینی و اعتقادی

یکی از موضوعات مهم و مورد توجه منفلوطی، موضوعات دینی و اعتقادی است که گاهی در تبیین و تشریح آنها از قرآن و حدیث مدد می‌گیرد. بحث از روز قیامت از جمله آن موضوعات است. او در مقاله‌ای با عنوان «یوم‌الحساب» در خیال و رؤیا، خود را در جهان دیگری تصور می‌کند گویا بعد از مرگش دوباره زنده و برانگیخته شده است و همه مردم را می‌بیند که برای محاسبه اعمال‌شان فرا خوانده شده‌اند. گویا به منفلوطی الهام شده که این جا محشر و امروز روز حساب است، سرگردان و متحیر راه می‌رود و کسی را نمی‌یابد که دستش را بگیرد و راهنمایش باشد. او همچنان که یأس و ناامیدی و غم و اندوه خود در آن صحنه را به تصویر می‌کشد، ناگاه از دور چهره‌ای می‌بیند که به او لبخند می‌زند و آرام آرام به او نزدیک می‌شود، او هم به سویش می‌رود و ناگهان می‌بیند که یکی از دوستانش است که چهره‌اش همچون ستاره آسمان می‌درخشد، در این لحظه منفلوطی از دوستش می‌پرسد: خداوند با او چگونه رفتار کرد؟ و او در پاسخ می‌گوید: «حاسبنی حساباً یسرا ثم غفرلی» (منفلوطی، ۱۹۹۱الف: ج۹۱/۱) این عبارت منفلوطی یادآور این کلام مولای متقیان است که به هنگام وضو و شستن دست راست می‌خواند: «اللهم أعطنی کتابی بیمینی و حاسبنی حسابا یسرا.» (مطهری، ۱۳۷۶: ۷۳)

دفاع از اسلام و برنامه‌های آن و انتقاد از برخی مخالفان و دشمنان اسلام و مسلمانان هم از جمله موضوعاتی است که منفلوطی بدان توجه کرده است. او در مقاله‌ای با عنوان «الإسلام و المسيحية» با انتقاد از نوشته‌های لورد کرومر انگلیسی از اسلام و از مردمی که از او و نوشته‌هایش درباره اسلام شگفت زده شدند، تعجب می‌کند و او را معتقد به دیانتی غیراسلام می‌داند و با مدد گرفتن از گفتمان قرآنی او را چنین معرفی می‌کند: «ما له أن يعتقد الوحدانية يصدق الرسالة المحمدية و يقيم الصلاة و يؤتي الزكاة و يحج البيت ما استطاع اليه سبيلا» (منفلوطی، ۱۹۹۱الف: ج۱۰۶/۱)

واژگان اخیر کلام منفلوطی یادآور بخشی از آیه ۹۷ سوره آل‌عمران است: «و لله على الناس حجُّ البيت مَنِ استطاع اليه سَبِيلاً»؛ بنابراین نویسنده ضمن اقتباس برخی از واژگان قرآنی، در معرفی این فرد، از اسلوب قرآنی نیز استفاده کرده است. منفلوطی به اعتقاد باطل کرومر مسیحی نیز انتقاد می‌کند و به شدت به این نویسنده مسیحی می‌تازد و او را در جایگاهی نمی‌بیند که درباره رسول معظم اسلام قضاوت کند و این‌گونه

[Downloaded from koran.lu.ac.ir on 2024-04-28]
[DOI: 1052547/koran.7.2.126]

سخن بگوید؛ لذا با اشاره به جایگاه والای رسول الله(ص)، به معجزه آسمانی پیامبر یعنی قرآن اشاره می‌کند و با الهام از این معجزه الهی چنین می‌گوید: «کیف یسمح لنفسه أن ینظر الیه بالعین التی ینظر بها المسلم الیه من حیث کونه نبیاً مرسلاً موحی الیه من عند الله تعالی بکتاب کریم لایأتیه الباطل من بین یدیه و لا من خلفه» (همان) عبارتی که منفلوطی در مقاله خود در تأیید و دفاع از حضرت رسول (ص) و معجزهٔ ایشان به کار گرفت برگرفته از آیهٔ ۴۲ سورهٔ فصلت و اقتباسی مستقیم از بخشی از این آیه است: «لا یَأْتیهِ الْباطِلُ مِنْ بَیْنِ یَدَیْهِ وَ لا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزیلٌ مِنْ حَکیمٍ حَمیدٍ»

او در جای دیگر وقتی وضعیت کنونی کشورش در زیر یوغ استعمار انگلیس را به تصویر می‌کشد، باز هم این آیه از قرآن را اقتباس می‌کند؛ چرا که به اعتقاد او حاکمان زورگو و قدرتمند انگلیس در کشورش مردم مبارز مصری را دزدانی مجرم می‌پندارند: «فأنتم فی نظر ساسهٔ الإنکلیز لصوص مجرمون...». (همان: ج۳/۳۲۵) او از حکمرانی و فرمانروایی حاکمان زورگو و مستبد انگلیس در کشورش که خود را حاکمان عادل و شریف می‌دانند چنین شکوه می‌کند: «و حکم القوة هو الحکم العادل الشریف الذي لایأتیه الباطل من بین یدیه و لا من خلفه هذا هو ما یجری الآن في جو مصر و هذا ما سیجری في جوها غداً ما بقیت الوزارة في مرکزها أو خلفتها وزارة مثلها.» (همان: ج۲/۳۲۶)

او در مقاله دیگری با عنوان «إلی خصوم سعد باشا» به تفصیل به بیان خدمات سعد باشا می‌پردازد، آنگاه دشمنان سعد پاشا در میان مصریان را سرزنش می‌کند، کسانی که پنداشتند می‌توانند همه همت خود را به کار گیرند تا با خطبه‌ها و نوشته های خود و بدون استناد به هیچ دلیل و برهانی، با تدبیر و حیله و انفاق مال، عشق و محبت مردم مصر به سعد پاشا را به بغض و کینه بدل کنند و اعتماد آنها به او را به بی‌اعتمادی و سوء ظن آنها به سیاست‌های انگلیس را به حسن ظن بدل کنند، آن‌گاه باز به آیهٔ ۴۲ سوره فصلت استناد می‌کند و خطاب به این خائنان مصری می‌گوید: «لأنکم ظننتم أنکم بإلقاء بعض الخطب و کتابة بعض الرسائل و تدبیر بعض المکائد و إنفاق بعض الأموال تستطیعون تحویل الأمة المصریة بأجمعها من حب سعد إلی بغضه و من الثقة به إلی الثقة بغیره.... بدون إستناد إلی حجة وبرهان! کأن ما تفضون به إلی الناس آیات منزلة لایأتیها الباطل من بین یدیه و لا من خلفها و ما طمع صاحب الآیات المنزلة نفسه جل جلاله أن یؤمن الناس بآیاته و یذعنوا لها دون أن یدعمها بالحجة و البرهان.» (همان: ج۳/۳۳۱)

او با لحن سرزنش‌گری خطاب به آنها می‌گوید: گویا شما می‌پندارید که آن چه که به مردم القا می‌کنید آیات نازل شده‌ای است که هیچ‌گاه باطل در آن راه نخواهد یافت و حقائق آن دگرگون نخواهد شد، حال آن که از نگاه منفلوطی پندار و گمان آن‌ها باطل است؛ چرا که خداوند جل جلاله و صاحب آیات محکم هم طمع ندارد که مردم به آیاتش ایمان آورند و بدان اذعان کنند بدون اینکه حجت و برهانی برآنها اقامه شود.

منفلوطی به عنوان نویسنده و ادیبی مسلمان با هرگونه سخت‌گیری و فشار به غیرمسلمانان و یا پیروان ادیان دیگر مخالف است، لذا قتل و غارت و ستم به مسیحیان را مورد شماتت قرار می‌دهد و این‌گونه مسلمانان را مورد خطاب قرا می‌دهد: «أیها المسلمون إن کنتم تعتقدون أن الله سبحانه و تعالی لم یخلق المسیحیین إلا لیموتوا ذبحاً بالسیوف، و قصفاً بالرماح و حرقا بالنیران فقد أسأتم بربکم ظناً». (منفلوطی، ۱۹۹۹الف: ج۱/۱۱۹) او در ادامه از گفتمان و اسلوب قرآنی مدد می‌گیرد و به مراحل خلقت انسان اشاره می‌کند و از رحمت و احسان الهی نسبت به بندگانش چنین می‌گوید: «لم یزل الله سبحانه و تعالی مذ کان الإنسان نطفة في رحم أمه یتعهده بعطفه و حنانه و

[Downloaded from koran.lu.ac.ir on 2024-04-28]
[DOI: 1052547/koran.7.2.126]

یمده برحمته و إحسانه.... و یذود عنه آفات الحیاة و غوائلها نطفة فعلقة فمضغة فجنیناً فبشراً سویا» (همان) در اینجا منفلوطی با الهام از برخی واژگان آیهٔ ۱۴ سورهٔ مؤمنون «ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً» و اقتباس واژگانی از آیهٔ ۱۷ سورهٔ مریم «فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجاباً فَأَرْسَلْنا إِلَيْها رُوحَنا فَتَمَثَّلَ لَها بَشَراً سَوِيًّا» سیاق قرآنی، عبارات و اصلاحات و گفتمان قرآن را در همان معنا و مفهوم به کار گرفت.

منفلوطی نویسنده‌ای است که گرایش‌های دینی در نوشته‌های وی تجلی بارزی یافته است؛ لذا در مقاله‌ای وقتی از علم و عالم سخن می‌گوید به علم دینی هم اشاره می‌کند و آن را علمی محفوظ توصیف می‌کند و علمای دینی را هم علمائی می‌داند که میان اعتقاد و باور به وحدانیت خداوند با آمد و شد به منازل زنده‌ها و مرده‌ها جمع کردند. او برای تبیین و تثبیت بهتر کلام خود به سخن الهی در قرآن استناد می‌کند و علمای دینی را در زمره علمایی قرار می‌دهد که حافظان این کلام خداوند هستند: «قل لا أملک لنفسی نفعاً و لاضراً» با این بیان: «لولا أن العلم الديني اليوم علمٌ محفوظٌ لما وجدتَ في العلماء من يجمع بين إعتقاد الوحدانية و التردد على أبواب الأحياء و الأموات.... و لا وجدتَ بين الذين يحفظون قوله تعالى «قل لا أملک لنفسی نفعاً و لاضراً» من يسند النفع و الضرر إلى كل من سال لعابه و تمزق إهابه....» (همان: ج۱۲۸/۱) این کلام منفلوطی اقتباس جزئی از آیهٔ ۱۸۸ سورهٔ اعراف در همان معنی و مفهوم است: «قل لاأملک لنفسی نفعاً و لاضراً إلا ما شاء الله و لو كنتُ أعلم الغيب لأستكثرتُ من الخير و ما مسَّنی السوء إن أنا إلا نذير و بشير لقوم يؤمنون».

مصارف صحیح صدقه هم از جمله موضوعات مورد توجه منفلوطی است و او در تبیین آن از قرآن الهام گرفته و بهترین حالات شرعی و عقلی برای مصرف صدقات را مواردی می‌داند که شارع آن را وضع کرده است: «و أحسن الحالات الشرعية و العقلية في مثل هذا المال أن ينفق في مصارف الصدقات التي إعتبرها الشارع و اعتمدها و افتتحها بأداة الحصر التي تمنع غيرها من الإشتراک معها في حكمها في قوله تعالى: إنما الصدقات للفقراء و المساكين و العاملين عليها و المؤلفة قلوبهم و في الرقاب و الغارمين و في سبيل الله و ابن السبيل.» (همان: ج۱۶۵/۲) بدین ترتیب منفلوطی با اقتباس جزئی از آیهٔ ۶۰ سورهٔ توبه و الهام از آن موارد صدقات را برای مخاطبان تشریح می‌کند. یکی دیگر از دغدغه‌های دینی منفلوطی تحقق جامعه اسلامی است. جامعه‌ای که در آن مردم دنیا را به دینشان بفروشند نه دین را به دنیا. او در توصیف یک جامعه اسلامی چنان سخن می‌گوید که از یقین محکم و تدیّن او خبر می‌دهد. او در پشت پا زدن به دنیا و خواهش‌ها و خواسته‌های دنیوی به مولای متقیان اقتدا می‌کند؛ لذا وقتی یقین می‌کند که دنیا و خواسته‌های دنیا محقق نمی‌شود مگر با ترک برخی شعائر و فرائض دینی، دست از دنیا می‌شوید و از آن روی بر می‌گرداند و دست رد به سینه دنیا می‌زند و از دنیا می‌خواهد که از او دور شود و دیگری را فریب دهد؛ چرا که او از دنیا بی‌نیاز است: «لو علمتُ أن مآرب هذه الدنيا و أغراضها لاتنال إلا بترک شعيرة من شعائر الدين أو العبث بفريضة من فرائض لعفتها و احتويتُها و نفضت يدي منها و قلتُ لها كما قال لها علی بن أبی‌طالب من قبل: إليک عني، غري غيری، ما لی بک حاجة.» (همان: ج۲/ ۱۷۶)

این سخن منفلوطی اقتباس جزئی از کلام مولای متقیان در نهج البلاغه، حکمت ۷۷ است آن جا که حضرت می‌فرماید: «يا دنيا إليک عنی أبي تعرضت أم إليَّ تشوقت؟ لا حان حينک، هيهات غُري غيری و لاحاجة لي فيک طلقتُک ثلاثاً لا رجعةَ فيها...»

او در همین مقاله به تفصیل جامعه اسلامی را توصیف کرده، ویژگی‌های آن را بیان می‌کند، در این میان باز هم از

[Downloaded from koran.lu.ac.ir on 2024-04-28]
[DOI: 1052547/koran.7.2.126]

آموزه‌های دینی خود مدد می‌گیرد، آن جا که از انتظارات خود از جامعه اسلامی سخن می‌گوید و از این جامعه انتظار ندارد که مسلمانانش با مخالفان دینی خود به جنگ برخیزند؛ زیرا زمان قتل و قتال سپری شده است؛ از این رو از آنها می‌خواهد اگر به جامعه ملی خود یک بار توجه می‌کنند و اهتمام می‌ورزند، به جامعه اسلامی هزار بار اهتمام بورزند؛ چرا که چنین جامعه‌ای وسیله‌ی دنیا و آخرت آنهاست آن‌گاه به این قول خداوند استناد می‌کند: «و للآخرة خیر و أبقی» (همان: ج۲/۱۷۸) که این عبارت اقتباسی از آیهٔ ۱۷ سورهٔ اعلی است «والآخرة خیر و أبقی».

توصیف اسلام واقعی و اعتقاد توحیدی در صدر اسلام و تأثیر والایی که دین مبین اسلام پس از ظهور در جان‌های مسلمانان به جای گذاشت نیز از دیگر مواردی است که منفلوطی در تشریح آن از آیات قرآن کمک می‌گیرد. وی پس از توصیف کامل مسلمانان صدر اسلام و بیان عزت نفس و خویشتن داری آنان و مبارزه آنان با ظلم و حاکمان ظالم؛ از زبان آنان پادشاه را مورد خطاب قرار می‌دهد و از او می‌خواهد از حوزه اختیار خویش پا فراتر نگذارد چراکه او بنده‌ای مخلوق است نه ربی معبود، سپس با اقتباس آیه‌ای از قرآن کریم، وحدانیت خداوند را متذکر شده، چنین می‌گوید: «لاتَخرُج عن دائرتک، فإنما أنت عبد مخلوق، لاربّ معبود، و اعلم أنه لاإله إلا الله» (همان، ج۲: ۱۵۵) او پس از ترسیم تصویری از ایمان مسلمانان صدر اسلام، به مقایسه اعتقادات و باورهای مسلمانان صدر اسلام با اعتقاداتی که امروزه در میان مردم رایج است می‌پردازد و اعتقادات معاصران را آمیخته با شرک باطل و پدیده‌های دیگر می‌داند. اما در این میان میان عامه مردم و فرماندهان و رؤسای آنها تفاوت قائل شده، عذر عامه مردم در شرک و فساد عقائدشان را پذیرفتنی می‌داند؛ اما فرماندهان و رؤسای آنها را مورد خطاب قرار می‌دهد که عذر و بهانه شما چیست، شما که کتاب خدا را تلاوت می‌کنید و صفات و نعت‌های خدا را می‌خوانید: «فما عذرکم أنتم و أنتم تتلون کتاب الله، و تقرؤون صفاته و نعوته» (همان: ج۲/ ۱۵۶) وقتی سخن به این جا رسید از آیات خداوند در قرآن الهام می‌گیرد و با کنایه به آنها چنین می‌گوید: «و تَفهَمون معنی قوله تعالی: «لا یَعلَمُ الغیبَ إلا الله» و قوله مخاطبا نبیَّه: «قُل لا أملک لنفسی نفعاً و لا ضراً» و قوله: «و ما رَمیتَ إذ رَمیتَ و لکن الله رمی» (همان) جمله اول برگرفته از این آیه: «قُلْ لایَعْلَمُ مَنْ فِي السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلاَّ اللَّهُ وَ ما يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ» (نمل: ۶۵) و مطلب دوم هم جزء نخست آیهٔ ۱۸۸ سورهٔ اعراف: «قُل لا أَمْلِك لِنَفْسی نَفْعاً وَ لا ضراً إِلا مَا شاءَ اللَّهُ وَ لَوْ كُنت أَعْلَمَ الْغَيْب لاستَكثرْت مِنَ الْخَيرِ وَ مَا مَسنی السوءُ إِنْ أَنَا إِلا نَذِيرٌ وَ بَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ، و سخن سوم هم برگرفته از بخشی از آیهٔ ۱۷ سورهٔ انفال است: «فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَـكِنَّ اللّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَـكِنَّ اللّهَ رَمَى وَلِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلاء حَسَناً إِنَّ اللّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ». در حقیقت منفلوطی با استشهاد به این آیات به نوعی انتظار خود و جامعه از فرماندهان و رؤسای کشورش را متذکر می‌شود که باید عالم و آگاه و عامل به قرآن و مفاهیم آن باشد؛ لذا با بهره‌مندی از آن بر مردم حکومت کنند.

۴.۳. تجلی قرآن کریم و احادیث شریف در موضوعات اجتماعی و سیاسی

منفلوطی برخی از مقالات علمی خود را در قالب خطابه بیان کرده و در این خطبه‌ها از قرآن و تعالیم دینی الهام گرفته است. از جمله خطبه‌ای به نام «خطبهٔ الحرب» که قهرمانان برقه و شیران طرابلس و مرزداران را مورد خطاب قرار می‌دهد و آنان را به صبر و بردباری برای تحقق پیروزی که خدا به آنها وعده داده دعوت می‌کند. او سخن در این باب را ادامه می‌دهد تا

[Downloaded from koran.lu.ac.ir on 2024-04-28]
[DOI: 1052547/koran.7.2.126]

اینکه از آنها می‌خواهد با همه سپاه و نیرو به نبرد با دشمن بروند و هرکجا که دشمن را یافتند به قتل برسانند: «أجلبوا علیهم بخیلکم و رحلکم، و أصدقوا حملتکم علیهم و جعجعوا بهم، و اقتلوهم حیث ثقفتموهم» (همان، ج۲: ۲۰۱) جزء اخیر کلام منفلوطی اقتباس بخشی از آیهٔ ۱۹۱ سورهٔ بقره در همان معنی و مفهوم است: «وَ اقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَ أَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ وَ الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ...» در ادامه با اقتباس حدیثی از حضرت رسول (ص) مفهوم جدیدی را از آن اراده می‌کند: «موتوا الیوم أعزاء قبل أن تموتوا غداً أذلاء موتوا قبل أن تطلبوا الموت فیعوزکم و تنشدوه فیعجزکم» (همان) بدین ترتیب او با الهام از حدیث شریف نبوی«موتوا قبل أن تموتوا» (بحارالانوار،۱۳۶۲، ج ۶۹: ۳۱۷) خطاب حضرت را به کار می‌گیرد و سیاق و مفهوم جدیدی با آن خلق می‌کند که اقتباسی جزئی به شمار می‌آید.

بار دیگر در همین مقاله جزئی از آیه الهی در قرآن را اقتباس می‌کند آن جا که از قهرمانان جامعه و عصر خویش می‌خواهد به قهرمانان پیشین از صدر اسلام اقتدا کنند؛ زیرا آنان از آسمان به آن‌ها می‌نگرند تا ببینند آن‌ها با میراثی که برایشان برجا گذاشتند چه کردند. او از آن قهرمانان می‌خواهد تا با شمشیرهای خود در میدان جنگ حجاب‌های مرگ میان خود و آن قهرمانان را کنار بزنند و به آنها بگویند که ما به شما ملحق می‌شویم و با پیروی از شما قطعاً هدایت شده‌ایم: «إن الشیخین أبابکرو عمر و الفارسین خالداً و علیا.... لینظروا ماذا تصنعنون بمیراثهم الذی ترکوه في أیدیکم فامضوا لسبیلکم و اهتکوا بأسیافکم حجاب الموت القائم بینکم و بینهم و قولوا لهم: إنا بکم لاحقون و إنا علی آثارکم لمهتدون» (منفلوطی، ۱۹۹۹الف، ج۲: ۲۰۲) که این بخش آخر کلام منفلوطی الهام گرفته از این آیهٔ قرآنی است: «بل قالوا إنا وجدنا آباءنا علی أمة و إنا علی آثارهم مهتدون » (زخرف:۲۲) در اینجا منفلوطی با الهام از آیه قرآنی، با تغییراتی در آن همان مفهوم مورد نظر قرآن را اراده کرده است. غربزدگی و تأثیر تمدن غرب بر جامعه مصری و آفت‌ها و پیامدهای منفی آن هم از جمله موضوعاتی است که منفلوطی به تفصیل بدان پرداخته و اثرپذیری او از قرآن و حدیث در تبیین این موضوع به او کمک شایانی کرده است. منفلوطی در بیان این موضوع، غرب را کعبه آمال مردم عصر خود توصیف می‌کند؛ از این رو نگاه برخی از مردم عصر خود به غرب را این‌گونه وصف می‌کند: «رأی الغرب تربةً طیبةً صالحة، فسقاها فاهتزت و ربت و أنبتت من کل زوج بهیج....» (منفلوطی، ۱۹۹۹الف، ج۲: ۲۳۶) او در توصیف غرب از نگاه بزرگان مصری، تعبیرات و اصطلاحات قرآنی به کار می‌گیرد تا بهتر بتواند جامعه غرب را توصیف کند، از این رو عبارت اخیر او در توصیف زمین‌های حاصلخیز و خوب و نیکوی غرب که در آن از هر نوع گیاه خوب و نیکو و شاداب می‌رویند برگرفته از بخشی از آیهٔ ۵ سوره حج است: «و تری الأرض هامدة فإذا أنزلنا علیها الماء إهتزت و ربت و أنبتت من کل زوج بهیج» و پس از اینکه به تفصیل به بیان مضرات تقلید از غرب پرداخت، بار دیگر از تعابیر قرآنی مدد می‌گیرد و خطاب به آن غربزدگان می‌گوید: اگر آن‌ها اهل تعقل بودند درمی‌یافتند که غربی‌ها به همه علوم معاصر حتی علوم اخلاق و آداب و دین به عنوان وسائل مادی اهتمام می‌ورزند تا از این طریق به رفاه زندگی و سعادت کنونی دست یابند و هر کس درباره آنها گمانی غیر از این داشته باشد قطعاً دچار گمراهی آشکار گردیده است: «و لو عقلوا؛ لعلموا أن الغربیین إنما یحفلون بجمیع العلوم العصریه حتی علوم الأخلاق و الآدب و الدین باعتبار أنها وسائل ماديه یتوصل بها إلی تحصیل مرافق الحیاة المحصله لرفاهیة العیش و سعادة الحال.... و من ظن غیر ذلک، فقد ضل ضلالاً مبیناً.» (همان، ج۲: ۲۳۸) بخش آخر کلام منفلوطی اقتباس جزئی از آیهٔ ۳۶ سوره احزاب است: «و ما کان لمؤمن و لا مؤمنة إذا قضی الله و رسوله أمراً أن یکون لهم الخیرة من أمرهم و من

[Downloaded from koran.lu.ac.ir on 2024-04-28]
[DOI: 1052547/koran.7.2.126]

یعص الله و رسوله فقد ضلَّ ضلالاً مبیناً» منفلوطی همان معنایی را از این بخش از آیه اراده کرد که در قرآن به کار رفته است. یکی دیگر از دغدغه‌های اجتماعی منفلوطی رواج خودکشی در جامعه مصری بود. او درصدد ریشه‌یابی این معضل اجتماعی و عوامل بروز آن در جامعه آن روز مصر برآمده و تقلید از تمدن غرب و غربی‌ها در جامعه را منشأ این عادت زشت برشمرده است: «إن الإنتحار من حیث هو مبدأ الفاسد، و عادة مستهجنة رمتنا بها المدنیة الغربیة فیما رمتنا به من مفاسدها و آفاتها» (همان، ج۲: ۱۹۰) او در ادامه از کثرت غم‌های دنیا و طولانی بودن حزن و اندوه آن سخن می‌گوید تا به این نتیجه برسد که اگر قرار بود هر انسان مضطرب و پریشانی از زندگی بیزار شود و هر انسان محزونی دست به خودکشی بزند، در این صورت دنیا از اهلش خالی گشته، اقامت در دنیا محال و سنّت الهی در خلقت دچار تغییر و دگرگونی می‌گردد، وقتی سخن به اینجا رسید، از آیات الهی در قرآن مدد می‌گیرد: «ما أکثر همومَ الدنیا و ما أطول أحزانها، لا یفیق المرء فیها من هَمٍّ إلا إلی هَمٍّ و لایرتاح من فاجعة إلا إلی مثلها..... فإذا صح لکل مهموم أن یکره حیاته و کل محزون أن یقتل نفسه خلت الدنیا من أهلها و استحال المقام فیها بل استحال الوفود إلیها و تبدَّلت سنة الله في خلقه و لن تجد لسنة الله تبدیلا.» (همان: ۱۹۱) جزء آخر کلام منفلوطی در حقیقت اقتباس جزئی از آیهٔ ۴۳ سورهٔ فاطر در همان مفهوم قرآنی است: «استکباراً في الأرض و مکرَ السَّیّئ وَ لا یَحیقُ إلا بأهله فَهَل ینظُرُون إلا سُنَّتَ الأوَّلین فَلَن تجد لِسُنَّت الله تبدیلاً و لن تجد لِسُنَّتِ اللهِ تحویلاً». شکوه از قضات و داوری ناعادلانه در محکمه و دادگاه توسط امیر و کاهن و قاضی هم از دیگر موضوعاتی است که منفلوطی در تبیین آن از آموزه‌های دینی الهام می‌گیرد. او در مقاله‌ای طولانی با عنوان «العقاب» به تفصیل به بیان این موضوع می‌پردازد (منفلوطی، ۱۹۹۱ب: ۸۱) اما مسأله‌ی مهمی که بیش از پیش موجب اعتراض و شکایت منفلوطی شده، پذیرش این وضع توسط مردمی است که به تعبیر منفلوطی یاران چنین قضاتی شده‌اند تا بهتر بتوانند به ظلم و ستمشان ادامه دهند (همان: ۸۲) این جاست که منفلوطی آرزو می‌کند تا سقف معابد و محاکم فرو ریزد و آن‌ها را ویران کند و زمین در دریایی از خون فرو رود و همه انسان‌ها از پیر و جوان و زن و مرد و اخیار و اشرار را در خود ببلعد، گویا او منتظر عذاب الهی است، عذابی که آن را نتیجه ظلم و ستم خود مردم می‌داند و با الهام از قرآن به این باور می‌رسد که خداوند هیچ گاه به بندگانش ستم نمی‌کند: «لتسقط العروش و لتهدم المعابد و لتتقوض المحاکم و لیعم الخراب المدن و الأمصار و السهول و الأوعار... و لتغرق الأرض في بحر من الدماء یهلک فیه الرجال و النساء و الشیوخ و الأطفال و الأخیار و الأشرار و المجرمون و الأبریاء و ما ظلمهم الله و لکن کانوا أنفسهم یظلمون.» (همان) بدین ترتیب منفلوطی با یادآوری عذاب‌هایی که خداوند در قرآن به گنهکاران وعده داد و یا عذاب‌هایی که بر سر اقوام مختلف نازل شد و خداوند در قرآن بدان‌ها اشاره کرده است، او هم منتظر چنین عذابی برای قوم خویش است و یا به عبارتی دیگر دعا می‌کند و از خدا می‌خواهد که چنین عذابی بر مردم روزگارش نازل شود؛ اما علت نزول این عذاب را نتیجه عمل خود مردم می‌داند؛ لذا بخش آخر کلام او اقتباس جزئی از آیهٔ ۵۷ سورهٔ بقره در همان معنی و مفهوم است آنجا که خداوند می‌فرماید: «و ماظلموا و لکن کانوا أنفسهم یظلمون» و یا جزئی از آیهٔ ۳۳ سورهٔ نحل: «و ما ظلمهم الله و لکن کانوا انفسهم یظلمون». او از این حد هم فراتر رفته و دعایش را در حق مردم خویش محقق و اجابت شده می‌بیند و در ادامه می‌گوید: «و ما انتهی من دعوته تلک، حتی رأیتُ الدم تفور کما فار التنور یوم دعوة نوح ثم فاضت الدماء منها و مشت تدفق فی الأرض تدفق السیل المنحدر و إذا الأرض بحر أحمر یزخر و یعج و یکتسح أمامه کل شیء... فإذا صائح صاح

[Downloaded from koran.lu.ac.ir on 2024-04-28]
[DOI: 1052547/koran.7.2.126]

تحت نافذة غرفتی إعلان الحرب» (همان) در اینجا منفلوطی عذاب الهی بر قوم نوح را به یاد آورد آنگاه که به امر الهی از تنور به نشانه فرا رسیدن عذاب، آبی فوران کرد و جز حضرت نوح و کسانی که ایمان آورده بودند و با او سوار کشتی شده بودند بقیه را غرق کرد: «حتَّى إذا جآءَ أمرُنا و فَارَ التَّنُّورُ قُلنَا احمِل فِيهَا مِن كُلٍّ زَوجَين اثنَينِ و أهلَكَ إلا مَن سَبَقَ عَليهِ القَولُ وَ مَن آمَنَ و ما آمَنَ مَعَه إلا قَليلٌ» (هود: ۴۰) بدین ترتیب منفلوطی شروع جنگ در کشورش را به منزله عذابی می‌بیند که نتیجه کارهای بد مردم است و با تشبیه این عذاب به عذاب الهی نازل شده بر سر قوم نوح تلاش کرد تا تحقق وعده‌های الهی را متذکر شود و مردم را به کارها و نتیجه بد اعمال‌شان هشدار دهد.

۴.۵. تجلی قرآن کریم در ترسیم آرمان شهر منفلوطی

منفلوطی همچون بسیاری از نویسندگان معاصر عرب به دنبال مدینه فاضله و آرمان شهر خویش است و درآثارش ویژگیهایی را برای آن به تصویر می‌کشد. از ویژگی‌های این مدینه فاضله، عدم وجود فقیر و غنی در جامعه و تساوی در سطح زندگی همه مردم است (منفلوطی، ۱۹۹۱الف: ج۶۷/۱) شاید هدف منفلوطی از توصیف مدینه فاضله، جستجوی آرمان و آرزوهایش بود او در توصیف چنین شهری، تعبیر «مدینة السعادة» را به کار گرفته است. گویا در آرمان شهر منفلوطی، همه سعادتمند هستند، شقی و بدبخت وجود ندارد و همه ساکنان آنجا خوشبخت هستند و از غم و اندوه شکایت نمی‌کنند؛ چرا که آنها قانعند و احدی نسبت به دیگری حقد و کینه‌ای ندارد چون همگی مساویند و احساس ترس نمی‌کنند و همگی در امانند: «تلک مدینة السعادة التي يعيش أهلها سعداء لايشكون هماً لأنهم قانعون و لايمسكون في أنفسهم حقداً لأنهم متساوون و لايستشعرون خوفا لأنهم آمنون» (همان، ج۱: ۶۸) گویا منفلوطی این آرمان شهر را به چشم خویش دیده و بدان عشق می‌ورزید و زندگی در آن را دوست می‌داشت، در اینجاست که از کلام الهی در قرآن الهام گرفته می‌گوید: «لولا أن لله في خلقه سُنةً لاتتبدل و شأنا لايتحوَّل» (همان) که این عبارت او الهام گرفته از این آیه الهی است: «سنة الله في الذين خَلَوا مِن قَبلُ و لَن تَجِدَ لِسُنةِ اللهِ تَبديلاً.» (أحزاب: ۶۲)

۴.۵. خطاب قرآنی و تجلی آن در آثار منفلوطی

منفلوطی گاه از اسلوب خطاب قرآنی الهام گرفته است؛ از این رو در مقاله‌ای که در آن از مرگ سخن می‌گوید در پرتو تعالیم قرآنی، بسان اسلوب قرآنی نفس سرگردان را خطاب قرار می‌دهد که بی‌تابی و شتاب نکند و سوگند یاد می‌کند که حتماً به عهد و پیمانش وفا می‌کند و به زودی وحشت و تنهایی‌اش را از بین می‌برد: «و يا أيَّتُها النَفسُ الهائمةُ في سَمائِها لاتَجزَعي و لاتعجلي فوالله لأفين بعهدک و لأذهَبَنَّ عما قليلٍ وحشتک و ليكونن عهدنا في مستقبلنا كعهدنا في ماضينا...» (منفلوطی، ۱۹۹۱الف: ج۲۲۲/۲) این اسلوب خطاب نفس، یادآور خطاب قرآنی در سوره فجر است: «يا أيتها النفس المطمئنة إرجعي إلى ربک راضية مرضية» (فجر:۲۷-۲۸) منفلوطی از اسلوب خطاب قرآن الهام می‌گیرد تا مفهوم و محتوایی غیر از آیه قرآن؛ بلکه مراد خود را بهتر به مخاطب القا کند.

[Downloaded from koran.lu.ac.ir on 2024-04-28]
[DOI: 1052547/koran.7.2.126]

نتایج

بررسی آثار منفلوطی گواه آن است که قرآن کریم و تعالیم روح‌بخش آن در آثار او از جایگاه قابل توجهی برخوردار هستند و از جنبه کاربرد در درجه اول اهمیت قرار می‌گیرند، سپس سخنان گهربار حضرت رسول(ص) و امام علی(ع) نیز در آثار او بازتاب خوبی داشته است، بدین معنی که نویسنده به خوبی توانسته است آموزه‌های دینی خود و در رأس آن قرآن کریم و احادیث شریف را در خدمت تحقق اهداف خود و تبیین موضوعات مختلف قرار دهد.

نگاه ژرف و جامع منفلوطی از یک سو و بهره‌مندی بالای او از آموزه‌های دینی از سوی دیگر موجب شده است تا او در تبیین موضوعات و مفاهیم مختلفی از این تعالیم مدد بگیرد در این میان تجلّی قرآن کریم و احادیث شریف در مباحث اخلاقی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ چرا که این روش منفلوطی از یک سو بر تأثیر کلام او بر مخاطب می‌افزاید و از سوی دیگر بر حقیقت و ضرورت آن فضائل اخلاقی در جامعه صحه می‌گذارد. مهربانی و شفقت به یکدیگر، ذکر فضائل اخلاقی حضرت رسول(ص) و احترام به زنان از جمله این موضوعات اخلاقی است. مباحث و موضوعات اسلامی و اعتقادی هم از دیگر موضوعاتی است که جایگاه قرآن و آموزه‌های دینی و أثرپذیری از آنها در تبیین این موضوعات در آثار منفلوطی مشهود است. بحث از قیامت، دفاع از اسلام و برنامه‌های آن و انتقاد از برخی مخالفان و دشمنان اسلام و مخالفت با هرگونه سخت‌گیری و فشار به غیرمسلمانان و پیروان ادیان دیگر و مصارف صحیح صدقه از جمله این موضوعات هستند که منفلوطی در تشریح و تبیین آنها، آیات قرآن و احادیث شریف را سرلوحه خویش قرار می‌دهد. تأثیرپذیری منفلوطی از قرآن و حدیث در موضوعات سیاسی و اجتماعی هم نمود چشمگیری پیدا کرده است، بدین منظور او در تبیین موضوعاتی چون دعوت به صبر و پایداری در برابر دشمن، توصیف غرب و غرب‌زدگی، رواج خودکشی در جامعه و شکوه از قضات ناعادل و قبول این امر توسط مردم، از آیات قرآنی و خطاب قرآنی مدد گرفته است. آموزه‌های دینی منفلوطی در ترسیم آرمان شهری که از آن به «مدینهٔ السعادهٔ» تعبیر می‌کند نیز نمود پیدا کرده است. اقتباسات منفلوطی از قرآن بیشتر اقتباس مستقیم است. بدین‌ترتیب که او در بسیاری از موارد آیات قرآن کریم را مستقیم و با همان معنا و محتوا، گاه به شکل کامل و گاه جزئی به کار گرفته است. اقتباس او از کلام پیامبر(ص) هم به همین شکل است گاه کلام ایشان را به طور کامل و گاه بخشی از آن را اقتباس کرده و در دو موردی که از کلام مولای متقیان الهام گرفته بخشی از عبارات حضرت را اقتباس کرده است.

اسلوب قرآن در کیفیت نگارش منفلوطی تأثیر زیادی داشت. استفاده از خطاب قرآنی، گفتمان قرآنی و سیاق قرآنی از جمله آن‌هاست. نکته مهم اینکه منفلوطی از پیشگامان تغییر و تحول در نثر معاصر عربی به شمار می‌آید. بی‌شک بهره‌گیری منفلوطی از اسلوب قرآن، در گرایش به شیوه سهل و ساده و استوار و وزین در نویسندگی و در نهایت پیشگامی او در تحول نثر بی‌تأثیر نبوده است.

[Downloaded from koran.lu.ac.ir on 2024-04-28]

[DOI: 1052547/koran.7.2.126]

فهرست منابع

- **قرآن کریم**

- **نهج البلاغه**

- إبن‌الأثیر(۲۰۰۳/۱۳۸۲). **الكامل في التاريخ**، بیروت: دارالکتب العلمیة.

- إبن‌کثیر، اسماعیل‌بن‌عمر (۲۰۰۳). **البداية و النهاية**، ط۲، بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمدعلی‌بیضون.

- جیوسی، سلمی خضری(۲۰۰۱). **الاتجاهات و الحركات في الشعر العربی الحديث**، ط ۱، بیروت: مرکز دراسات الوحدة العربیة.

- ری‌شهری، محمدمهدی(۱۳۷۷). **میزان الحکمة**، چاپ اول، تهران: دارالحدیث.

- ضیف، شوقی(لاتا). **الأدب العربي المعاصر في مصر**، الطبعة الثانية عشرة، القاهرة: دارالمعارف.

- عمران، سعدی (۲۰۱۱). **كتاب معاصرون من أعلام النثر العربی المعاصر**، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العربی.

- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۳۶۲ /۱۹۸۳). **بحار الأنوار**، بیروت: داراحیاءالتراث العربی، موسسة الوفاء.

- منفلوطی، مصطفی لطفی(۱۹۹۱الف). **النظرات**، چاپ اول، بیروت: الشركة المصرية العالمية للنشر.

- منفلوطی، مصطفی لطفی (۲۰۰۵). **الشاعر**، الطبعة الأولی، بیروت: دار و مكتبة الهلال.

- منفلوطی، مصطفی لطفی (۱۹۹۱، ب). **العبرات و الفضيلة**، الطبعة الأولی،القاهرة: الشركة المصرية العالمية للنشر.

- منفلوطی، مصطفی لطفی (۲۰۰۸). **في سبيل التاج**، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیة.

- منفلوطی، مصطفی لطفی (۲۰۰۷). **ماجدولین**، چاپ اول، بیروت: دار مكتبة الهلال.

- مطهری، مرتضی (۱۳۷۶). **گفتارهای معنوی**، چاپ هفدهم، تهران: انتشارات صدرا.

[Downloaded from koran.lu.ac.ir on 2024-04-28]

[DOI: 1052547/koran.7.2.126]

[DOI: 1052547/koran.7.2.126] [Downloaded from koran.lu.ac.ir on 2024-04-28]